

حس تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: تهران، محله ارامنه الف)

زهرا عربی^۱، سمیرا طاوسی^۲، سمیه سادات موسوی^۳

چکیده

احساس تعلق و عضویت افراد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ آن ها بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می کنند، میزان مشارکت را افزایش خواهد داد. در واقع با افزایش احساس تعلق مکانی در افراد و به دنبال آن مشارکت؛ اجرای برنامه های مختلف اجتماعی، اقتصادی در اجتماع محلی با توفیق چشمگیر همراه خواهد شد و سطح کیفیت زندگی افراد بهبود می یابد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش حس تعلق محله ای در میزان مشارکت افراد، از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری آن را ۱۲۰ نفر از ساکنین محله ارامنه الف، ناحیه ۵، منطقه هفت شهرداری تهران، تشکیل می دهند، که از طریق نمونه گیری خوشه ای بصورت تصادفی انتخاب شده اند. داده ها به صورت میدانی و کتابخانه ای جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های استنباطی کلموگراف- اسمیرنوف یا KS (جهت تعیین نرمالیت داده ها)، آزمون همبستگی اسپیرمن و پیرسون (برای بررسی رابطه بین متغیرها)، و رگرسیون چندگانه برای تبیین اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته، تحلیل شده اند. در راستای پایایی و روایی ابزار جمع آوری داده ها از آماره آلفای کرونباخ (۰/۹۸۷) و روش اعتبار محتوا (فزاوت داوران و متخصصین) استفاده شده است. نتایج حاصل از یافته های پژوهش بیانگر آن است که؛ از خصوصیات دموگرافیک ساکنین، سن و نوع مسکن ساکنین از لحاظ شخصی و استیجاری بودن، و از خصوصیات اجتماعی محله به ترتیب مشارکت، شناخت، و بهره وری محله ای با حس تعلق محله ای آنها ارتباطی معنادار، مثبت و قوی دارند. حس تعلق محله ای بر مشارکت اجتماعی ساکنین (آمدگی داوطلبانه، کار گروهی و همکاری با نهادهای محله ای) تأثیر بسیار زیادی دارد.

واژگان کلیدی: حس تعلق محله ای، مشارکت، محله ارامنه تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۴

^۱ استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (Email: arabiza1394@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: s.tavosi93@gmail.com)

^۳ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران، ایران (Email: somayyehmousavi@ut.ac.ir)

مقدمه

در جریان گذر از مفهوم سنتی برنامه‌ریزی شهری، مفاهیم جدیدی شکل گرفته که ماهیتا از تبار علمی چون جامعه‌شناسی و حتی روانشناسی است و بدین‌سان معنی میان رشته‌ای برنامه‌ریزی شهری را سبب کرده است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴). که از جمله آن‌ها می‌توان به سرمایه‌های اجتماعی، حس تعلق مکانی و مشارکت اشاره نمود، به طوری که امروزه پیگیری رویکردهای مبتنی بر افزایش میزان سرمایه اجتماعی در جوامع و همچنین استفاده از آن در سطوح مختلف فعالیت‌های برنامه‌ریزی و طراحی - شهری به عنوان یک راه‌حل موثر در کاهش هزینه‌های اجتماعی و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی شهری شناخته می‌شود (داداپور، ۱۳۹۱: ۳۲). دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد، این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش نمایند؛ از این رو احساس تعلق مکانی و به دنبال آن مشارکت می‌تواند اجرای برنامه‌های - مختلف اجتماعی و اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیری همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۲). چرا که از مهم‌ترین عواملی است که به تداوم حیات بشر کمک کرده و همکاری و مشارکت میان انسان‌ها را موجب می‌شود (طوسی، ۱۳۷۰: ۵). این جمله که: «مشارکت در جمع روی می‌دهد و بازتاب می‌یابد» (فرجی‌مولائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶)، نشان‌دهنده این امر است که، مفهوم شهروندی نقطه اتصال و اشتراک مشارکت اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود (قلی - پور، ۱۳۸۰: ۱۴۴). بنابراین مشارکت شهروندان، مستلزم ایجاد تغییراتی در حالات ذهنی و روانی آحاد جامعه و همچنین در تمایلات، نگرش‌ها و تعهدات آنان است که منجر به احقاق حقوق مسئولیت‌پذیری در آن‌ها گردیده و با توزیع قدرت در جامعه، فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه شهروندان را در جهت پیشرفت و توسعه پایدار اجتماعی جامعه سامان می‌بخشد (الماسی، ۱۳۹۲: ۶).

در فرآیند برنامه‌ریزی مدل‌های پیشین توسعه، درکی صحیح از مسائل فرهنگی و اجتماعی وجود نداشت و برنامه‌ریزی در موقعیت‌های محلی با فهم دقیقی از توسعه اجتماعی - فرهنگی همراه نبود (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲). توجه به این مهم باعث شد که بیشتر شکست‌های طرح‌های توسعه به فقدان مشارکت مردم در فرآیند طراحی و احراز این طرح‌ها نسبت داده شود (جمشیدی‌ها و همکاران، ۱۳۹۳: ۲؛ برگرفته از زاكس، ۱۳۷۷: ۱۶). از این رو در بسیاری از منابع بررسی مسائل توسعه‌ای جوامع جهان سوم چنین آمده است که: «توسعه‌مندی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است». این درحالی است که فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی، زمینه برخورد، اختلاف و تضاد در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه را فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب حاصل از این برخوردها می‌گردد. از این رو نگرش برنامه‌ریزان و خط‌مشی تدوین‌کنندگان در آستانه ورود به قرن بیست‌ویکم باید معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه و به ویژه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد (انصاری، ۱۳۷۵). در این ارتباط برای اینکه افراد در سطح محلات شهری مشارکت کنند و میزان مشارکت آن‌ها نیز افزایش یابد، باید حس تعلق به محله در بین آن‌ها افزایش یابد. زیرا احساس تعلق و عضویت فرد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهد. پس برای افزایش میزان مشارکت مردم در سطح محله و به تبع افزایش سهم آن‌ها در مدیریت محله؛ باید حس تعلق و دل‌بستگی نسبت به محله در افراد ایجاد شده و هویتی واحد برای محله قائل باشند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). زیرا هنگامی که حس تعلق اجتماعی فرد به منطقه سکونتش از دست می‌رود، به آن مکان اهمیت چندانی نداده و حتی ممکن است آن منطقه را نیز ترک کند که در این صورت رابطه دوطرفه بین فرد و جامعه از بین می‌رود. در واقع با کاهش حس تعلق، روحیه منفعت‌طلبی شخص تقویت شده و فرد فقط به منافع شخصی خود می‌اندیشد (ناطق - پور، ۱۳۸۳). چنین وضعیتی به تدریج، آشفته‌گی و از هم گسیختگی اجتماعی را به دنبال آورده و باعث می‌شود تا جامعه شرایط توسعه و توسعه‌یافتگی را در خود به وجود نیاورد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲: ۲۷۸). با توجه به مباحث مطرح شده، هدف پیش‌روی

پژوهش حاضر تحلیل نقش حس تعلق محله ای در میزان مشارکت ساکنین محله ارامنه الف (منطقه ۷ تهران) می باشد و در راستای این هدف، سوالات پژوهش به صورت ذیل مطرح می شوند:

- آیا بین حس تعلق محله ای و خصوصیات دموگرافیک پاسخگویان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین حس تعلق محله ای و خصوصیات اجتماعی محله ارامنه الف ارتباط وجود دارد؟
- حس تعلق محله ای تا چه حد بر جلب مشارکت اجتماعی ساکنان محله ارامنه الف تاثیر دارد؟

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم ترین عناصر محله، به عنوان واحد ساختار بخش، نظم دهنده و نماد دهنده جامعه شهری، هویت و تعلق مکانی است. احساس تعلق فرآیندی است که طی آن احساس مسئولیت افزایش می یابد و به دنبال آن مشارکت تحقق می پذیرد (ناطق پور، ۱۳۸۳).

حس تعلق محله ای عبارت است از نوعی حس یکپارچگی با سایر اعضای اجتماع که مفهوم ذهنی محله بر آن بنا شده است؛ به عبارت دیگر، صرف همجواری باعث ایجاد محله نمی شود، بلکه محله اضافه بر موقعیت مکانی، بر مبانی احساس عضویت، تاثیرگذاری، برآورده سازی نیازها و پیوست های عاطفی شکل می گیرد و به بیان دقیق تر هر محله دارای هویت است (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). حس تعلق، انگیزشی درونی برای هویت افراد در موقعیت های اجتماعی گوناگون و نشان دهنده وفاداری آن ها به رفتاری ثابت است که با انتظارات دیگران از آن موقعیت تطابق دارد و باعث سازگاری فرد با موقعیت اجتماعی می شود. این انگیزش از سویی، به اعمال قبلی افراد و از سوی دیگر، به ارزیابی آنان از نتایج آن نوع رفتار مربوط می شود. به بیان دیگر تعلق، بر داشتن تجربه مشترک، آرزوها، ارزش ها و هنجارها و روابط ایمن و مطمئن دلالت دارد (اورت، ۲۰۰۹).

با توجه به اهمیت بعد مکانی و محلی تعلق، فضای کالبدی نیز مانند تعاملات اجتماعی از شاخص های اساسی حس تعلق است. این حس به مکان و اجتماع محله ای، هم در محله های سنتی و هم در محله های مدرن وجود دارد (مبارکی و صلاحی، ۱۳۹۲: ۲۷۷-۲۷۶). احساس تعلق و دل بستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای می یابد (پیربائی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۴).

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می کند به واسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل گیری هویت مکانی می شود که همگام با برنامه ریزی در سطح محلات شهری مطرح است. این حس تعلق مکانی بر مشارکت و سرمایه اجتماعی تاثیر می گذارد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱: ۲۹). شرایط هویت مندی یک محله، تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی، خاطرات جمعی از محله و موضوعاتی از قبیل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۲۷).

تعلق مکانی یا تعلق اجتماع محلی به دل بستگی ۲ افراد به مکان ها و محله ها و محل زندگی اشاره دارد که موجب افزایش سلامت روانی و احساس هویت و کاهش رفتارهای انحرافی افراد در محله می شود (بستن، ۲۰۱۰).

لینچ^۴، اعتقاد دارد که حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می کند و وحدت به وجود می آورد، در نتیجه مکان دارای سلسله مراتبی از بی تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است. در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب

احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷). بروکاتو^۵، معتقد است که عوامل محیطی، کیفیت و سطح رضایت از خدمات در میزان تعلق مکانی افراد تاثیرگذار است (بروکاتو، ۲۰۰۶).

روان‌شناسی محیطی نشان داده است تعلق مکانی نیز یکی از منابع هویت است (هونگ^۶، ۲۰۰۵). از نظر جامعه‌شناسی، تعلق، عضویت در گروه‌هاست. این تعریف بر ابعاد رفتاری مفهوم حس تعلق، از قبیل مشارکت و درگیری فرد در گروه دلالت دارد. این ارجاعات رفتاری نیز نشانه‌های فیزیکی تعلق است. از نظر معنوی نیز تعلق، رابطه احساسی و متافیزیکی خاصی را به یک فرد یا مکان نشان می‌دهد (ناطق پور، ۱۳۸۳).

از نظر مک میلان و چاویس، دلایل اهمیت احساس تعلق محله‌ای بر فرآیندهای مشارکت محله‌ای از رهگذر چهار مؤلفه قابل بررسی است، این چهار مؤلفه عبارتند از ۱- احساس عضویت، ۲- تأثیرگذاری، ۳- برآورده‌سازی نیازها و ۴- پیوسته‌های عاطفی. این چهار مؤلفه و ارتباط آن‌ها با مشارکت محله‌ای به شرح زیر تعریف می‌شوند.

- عضویت؛ در اولین قدم اگر فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله‌ای داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره محله‌ای که در آن عضویت دارد، ارزیابی و درک کند، احتمال مشارکت بیشتری در کنش‌های جمعی محله خواهد داشت.
- تأثیرگذاری؛ به صورت مشخص اگر افراد احساس نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری بر محله خود داشته باشند و کنش خود و هزینه و زمانی را که صرف مشارکت در کارهای محله می‌کنند، مثمرتر ارزیابی کنند، احتمال همراهی فعال آن‌ها در طرح‌ها و برنامه‌هایی که برای توسعه محله آن‌ها ارائه شده است، به شکل چشمگیری افزایش پیدا می‌کند.
- تحقق نیازها؛ هنگامی که اعضای محله به شکل روشنی به این نتیجه برسند که بخشی از نیازهای محله‌ای آن‌ها در محله قابل دسترسی است، تمایل بیشتری به تهیه آن‌ها از محله خواهند داشت. این امر، بخشی از ارتباطات اجتماعی را دامن می‌زند و رفته رفته تقویت می‌کند. تقویت ارتباطات اجتماعی خود زمینه بروز و شکل‌گیری فرآیندهای مشارکتی را به دنبال دارد.
- پیوندهای عاطفی؛ پیوندهای عاطفی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌دارد که اگر فردی محله‌ای را که در آن زندگی می‌کند، به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد، احتمال این که آمادگی بیشتری برای مشارکت در کارهای محله داشته باشد، افزایش پیدا می‌کند (نادری و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰).

یکی از فاکتورهای مهم و کلیدی در توسعه محله‌ای توجه به مشارکت مردم در فرآیند توسعه است. اما مقولات زیادی در امر مشارکت و درگیر شدن در فرآیند توسعه محلی تأثیرگذارند که هر کدام با توجه به شرایط و زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کنند. مشارکت شهروندی ساکنان محله‌ها در طرح‌های توسعه محله‌ای می‌تواند تابعی از حس تعلق باشد که ساکنان محله‌ها، به محله خود دارند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). برنامه توسعه سازمان ملل ۷ و بانک جهانی، مشارکت را وسیله‌ای برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و تشویق در فعالیتهای محلی می‌دانند و معتقدند که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله مردم را در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است، تشویق و تسهیل کند (دارابی، ۱۳۸۷: ۷۵۴).

مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی، مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی، و میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم‌گیری است. در حقیقت جوهر مشارکت، منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد در گروه است (لهسای زاده، ۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه، در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی،

۱۳۶۹: ۱۰۸). مشارکت اجتماعی در محله تابع عوامل متعددی است که حس تعلق محله‌ای یکی از آنهاست (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، هم‌فکری، همکاری و تشریک‌مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش، و باز گشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد (طوسی، ۱۳۷۰: ۵).

به عقیده لرنر، جامعه جدید، جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه سنتی به جامعه مشارکتی می‌باشد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۰). هانتینگتون نیز معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا می‌باشد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۴).

گائوتری^۱، جهت ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم، حداقل چهار شرط عمده را لازم می‌داند. این شروط عبارت‌اند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم. وجود این شروط به عقیده گائوتری، به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه منجر می‌شود (پناهی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۵). سیلز^۲، از منظر روانشناختی-اجتماعی در پی بیان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت است. به نظر وی، افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم، تربیت، مذهب و...) محاط شده‌اند. سیلز معتقد است که سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با هم مرتبط و به یکدیگر آمیخته شده‌اند و هر تغییری در هر یک از آنها، مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد، لذا اگر تحلیلی صرفاً مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه کننده و ناقص است (محسنی تیریزی، ۱۳۶۹: ۱۲). از دیدگاه روانشناسان اجتماعی مشارکت افراد در جامعه، برآیند ارتباط متقابل عوامل اجتماعی و روانشناختی می‌باشد (محسنی تیریزی، ۱۳۷۵: ۹۷).

کولین، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند، وی بر آمادگی ذهنی و وجود انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد. مشارکت مؤثر مستلزم وجود انگیزه‌های شخصی است. به عبارتی مشارکت، قبل از اینکه نمود عینی بیابد، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جستجو کرد. برای درونی‌سازی فرهنگ مشارکت، باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون ساخت و این امر بدون کار فرهنگی میسر نمی‌شود (وطنی، ۱۳۸۶: ۳۲).

مطالعات تجربی در شهرها و مکان‌های مختلف و همچنین موضوعات متفاوت نشان می‌دهد که بین حس تعلق محله‌ای و مشارکت ارتباط وجود دارد و با تقویت این ارتباط می‌توان به توسعه در سطح شهر و محله دست یافت. در زیر به بعضی از این مطالعات و نتایج آن‌ها اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهش نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)، تحت عنوان مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، حاکی از میزان مشارکت اجتماعی-سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده است. همچنین همبستگی معنی‌دار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی-سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی-سیاسی)، برقرار است.

مفرح (۱۳۸۹)، در پژوهشی به شناسایی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله پرداخته است. ابعاد جامعه‌شناختی تعلق اجتماعی شهروندان و عوامل اجتماعی مؤثر (پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله‌ای) بر ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی را در راستای مشارکت شهروندان در محله، با نگاهی به ساختار محله مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار زیاد مشارکت در افزایش حس هویت و تعلق -

اجتماعی شهروندان در محله مورد مطالعه می‌باشد به گونه‌ای که معناداری ۹۹٪ و میزان خطای آماری بسیار پایین تصدیق کننده این مدعا بود.

نتایج تحقیق شمعی و جهانی (۱۳۹۰)، با عنوان بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای منطقه ۷ تهران، نشان می‌دهد که هویت محله‌ای در منطقه ۷ شهرداری تهران تحت تاثیر بلندمرتبه‌سازی دچار تغییر و تحولاتی شده است. نمره میانگین شاخص‌های میزان مشارکت و روحیه جمعی، حس تعلق، شناخت مرز محله و تعهدپذیری در آپارتمان‌نشینی نسبت به متعارف-نشینی کم‌تر است. افت میزان چنین شاخص‌هایی به موازات آپارتمان‌نشینی، تأیید کننده تنزل هویت محله‌ای در منطقه ۷ تهران خواهد بود.

نتایج پژوهش رهنما و رضوی (۱۳۹۱)، تحت عنوان بررسی تاثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشان می‌دهد؛ مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد.

مبارکی و صلاحی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند که بین عملکرد شهرداری و تعهدات شهروندی رابطه مثبت و معنی‌داری با تعلق اجتماعی دارد که کنترل اجتماعی-غیررسمی محله‌های شهری را افزایش و انحرافات اجتماعی محلی را کاهش می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نادری و همکاران (۱۳۹۳)، تحت عنوان بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد) نشان می‌دهد که بین حس تعلق محله‌ای و آمادگی برای مشارکت رابطه وجود دارد. همبستگی بین این دو متغیر در جهت مثبت بوده و با افزایش حس تعلق محله‌ای بر آمادگی برای مشارکت افزوده می‌شود.

جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله فزل‌قلعه تهران)، به این نتیجه دست یافتند که بین میزان هزینه‌های زندگی خانوارها، نوع شغل، تعداد سالهای سکونت افراد در محله و حس تعلق محله‌ای‌شان نسبت به محله رابطه معناداری وجود دارد، درحالی که بین وضعیت مسکن، جنسیت، سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و حس تعلق محله‌ای رابطه معناداری وجود ندارد.

ویلیکینسون^۱ (۲۰۰۷)، در پژوهش خود با عنوان پیوندهای اجتماعی محله‌ای و تمایل به مداخله با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق از ۱۵۹ نمونه از افراد ساکنان محله‌ای در شهر نیویورک به بررسی این دو مفهوم پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که پیوندهای اجتماعی بین ساکنان محلات بیشتر از حمایت و کنترل اجتماعی رو به تحلیل است که پیامدهای منفی را در سطح محلات موجب می‌شود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر در دسته مطالعات کمی قرار دارد و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و همبستگی و به لحاظ قابلیت اجرایی داشتن نیز از نوع کاربردی است. داده‌های مورد نیاز به دو صورت مطالعه کتابخانه‌ای (استفاده از فیش‌برداری، ترجمه و تلخیص متون مرتبط) و پیمایش میدانی (استفاده از پرسشنامه و مصاحبه تکمیلی) گردآوری شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش حاضر پرسشنامه استاندارد شهرداری تهران برای سنجش حس تعلق مکانی شهروندان می‌باشد که شامل سه دسته سوالات توصیفی و سوالات مربوط به متغیرهای وابسته و متغیر مستقل می‌باشد که جمعا برابر ۲۹ سؤال بود (جدول ۱). سطح تحلیل در این پژوهش، بلوک‌های مسکونی محله آرامنه الف (ناحیه ۵ از منطقه ۷ شهرداری تهران) و واحد تحلیل نیز ساکنین این بلوک‌ها می‌باشند. بر این اساس جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از ساکنین محله مذکور می‌باشند که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از بین بلوک‌ها، تعداد ۱۲۰ نفر مشخص شدند و برای انتخاب آن‌ها و تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش از روش تصادفی ساده استفاده

شده است. روش انتخاب اعضاء نمونه به این صورت بود که در محله برای هر بلوک از جنوبی ترین و غربی ترین نقطه شروع و تعداد کل زنگ های هر بلوک را بر ۱۲ تقسیم کرده تا فاصله نمونه ها مشخص شود. جهت آزمون برازش داده های گردآوری شده و ابزار پرسشنامه، به تعیین روایی از طریق محتوای درونی و قضاوت داوران؛ و تعیین پایایی ابزار اندازه گیری با روش آلفای کرونباخ اقدام شد که مقدار آلفا (با آزمون تعداد ۲۱ آیتم از سوالات اصلی و ۲۰ نمونه اولیه در جریان مطالعه راهنما^{۱۱}) برابر با ۰/۹۸۷ به دست آمد که در تحقیقات مربوط به علوم انسانی مقدار رضایت بخشی می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از نرم افزار SPSS 21 و به دو صورت اقدام شد: برای ارائه یافته های توصیفی پاسخگویان از فراوانی و درصد و میانگین؛ و برای آزمون سوالات پژوهش از آزمون های استنباطی از جمله کلموگراف - اسمیرنوف^{۱۲} (جهت تعیین نرمالیت داده ها)، آزمون همبستگی پیرسون (برای بررسی رابطه بین متغیرها)، و آزمون رگرسیون چندگانه برای تبیین اثرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته استفاده شده است.

جدول (۱): مشخصات متغیرهای مورد بررسی در پژوهش

متغیر	مؤلفه	گویه
سوالات توصیفی	ویژگی های توصیفی	جنسیت، سن پاسخگو، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل، هزینه خانوار، مدت زمان اقامت در محله، و نوع مسکن
		محله ما جای خوبی برای زندگی است
حس تعلق محله ای	برآوردن نیازها	مردم محله در مورد مسائل محله با هم اتفاق نظر دارند
		نیازهای اساسی من در محله وجود دارد و تامین می شود
		افراد ساکن محله را می شناسم
	عضویت	وقتی در محله هستم فکر می کنم در خانه خودم هستم
		تعداد زیادی از مردم محله مرا می شناسند
	اثرگذاری	این که مردم محله من درباره کارهای من چه فکری می کنند برای من مهم است
		می توانم بر شرایط و محیط محله اثرگذار باشم
		مردم می توانند مشکلات محله را حل کنند
	پیوندهای احساسی	زندگی در این محله را دوست دارم
		مدت زیاد به سکونت در این محله ادامه می دهم
مردم به کمک کردن به هم محله ای های خود علاقه دارند		
خصوصیات اجتماعی محله	شناخت محله ای	محیط جغرافیایی محله
		آشنایی با گذشته محله
		آشنایی با فعالیت نهادهای محله ای
	بهره وری محله ای	فضاهای عمومی - تفریحی محله
		انجام خریدهای روزانه از محله
		استفاده از خدمات نهادهای محلی
	مشارکت محله ای	آماده هستم تا وقت خود را به صورت داوطلبانه برای بهبود شرایط محله ام صرف کنم
		آماده هستم تا با نهادهای محله ای همانند سرای محله و کانون های محله همکاری داشته باشم
		فکر می کنم برای داشتن محله ای بهتر باید با همکاری با دیگران و به صورت جمعی کار کرد

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

در جدول ۲ وضعیت ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان با فراوانی و درصد مشخص شده است.

جدول (۲): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه

ویژگی جمعیت‌شناختی	نوع ویژگی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۴۴	۳۵/۸
	زد	۷۶	۶۱/۸
وضعیت تأهل	مجرد	۳۰	۲۴/۴
	متاهل	۹۰	۷۳/۲
گروه سنی	۱۸-۳۰	۲۰	۱۶/۲
	۳۱-۴۰	۲۶	۲۱/۱
	۴۱-۵۰	۲۴	۱۹/۵
	+۵۰	۵۰	۴۰/۷
سطح سواد	دیپلم و زیر دیپلم	۵۶	۴۵/۵
	فوق دیپلم	۴۵	۳۶/۶
	لیسانس	۱۷	۱۳/۸
	ارشد و بالاتر	۲	۱/۶
وضعیت شغلی	کارمند	۱۰	۸/۱
	خانه‌دار	۶۱	۴۹/۶
	بیکار	۱۲	۹/۷
	آزاد	۳۷	۳۰/۱
میزان هزینه خانوار	کمتر از یک میلیون	۸۶	۷۰
	بین ۱ تا ۱/۵ میلیون	۲۸	۲۲/۸
	بین ۱,۵ تا ۲ میلیون	۴	۳/۳
	بیشتر از ۲ میلیون	۲	۱/۶
سابقه سکونت	کمتر از ۵ سال	۲۸	۲۲/۸
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۲۶	۲۱/۱
	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	۱۴	۱۱/۴
	بیشتر از ۱۵ سال	۵۲	۴۲/۳
وضعیت مسکن	شخصی	۹۲	۷۴/۸
	استیجاری	۳۱	۲۵/۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

یافته‌های استنباطی

در این قسمت به ارائه آزمون‌های استنباطی از یافته‌های پژوهش برای پاسخ به سوالات تحقیق پرداخته شده است. ابتداء با استفاده از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف به بررسی توزیع نرمال بودن داده‌های در دسترس پرداخته شد و نتایج بدست آمده نشان دهنده کمتر بودن خطای بدست آمده از خطای مجاز ($0/000 > 0/5$) و عدم وجود توزیع نرمال در داده‌های گردآوری شده می‌باشد؛ بنابراین باید از آزمون‌های ناپارامتریک برای پاسخ به سوالات تحقیق استفاده کرد. در سؤال اول به وجود رابطه بین حس تعلق محله- ای و خصوصیات دموگرافیک پاسخگویان پرداخته شده است (جدول ۳).

جدول (۳): ضریب همبستگی اسپیرمن برای رابطه بین حس تعلق محله‌ای و خصوصیات دموگرافیک پاسخگویان

معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	خصوصیات توصیفی پاسخگویان
۰/۰۰۰	۰/۸۳۷**	جنسیت
۰/۰۰۰	۰/۷۵۳**	تأهل
۰/۰۰۰	۰/۹۵۰**	گروه‌های سنی
۰/۰۰۰	۰/۹۱۴**	سطح سواد
۰/۰۰۰	۰/۹۲۸**	شغل
۰/۰۰۰	۰/۸۸۵**	هزینه‌های خانوار
۰/۰۰۰	۰/۹۴۴**	سابقه سکونت در محله
۰/۰۰۰	۰/۷۵۸**	وضعیت مسکن
نکته: ** معناداری در سطح ۹۹٪ یعنی $p > ۰/۰۰۱$ تعداد نمونه برابر با ۱۲۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین خصوصیات دموگرافیک پاسخگویان و شاخص حس تعلق محله‌ای رابطه همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد و جهت این رابطه‌ها نیز مثبت می‌باشد. ضرایب بدست آمده نشان می‌دهند که قوی‌ترین رابطه مربوط به گروه‌های سنی، سابقه سکونت در محله، و گروه‌های شغلی پاسخگویان می‌باشد. به این معنا که هر چه سن ساکنان محله و سابقه سکونت‌شان در محله بیشتر باشد، میزان حس تعلق آن‌ها نسبت به محله بیشتر خواهد بود. به طور کلی میزان معناداری بدست آمده برای متغیرهای مورد بررسی نشان دهنده حداقل خطای مجاز ($۰/۰۰۰ > ۰/۰۰۱$) بوده و با اطمینان آماری ۹۹٪ می‌توان چنین اظهار کرد که بین حس تعلق محله‌ای در محله ارامنه الف تهران و خصوصیات جمعیت‌شناختی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

در قسمت دوم برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش، به بررسی رابطه بین حس تعلق محله‌ای و خصوصیات اجتماعی محله‌ای ساکنان با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون پرداخته شده است (جدول ۴). نکته قابل توجه جمع‌کردن^{۱۳} داده‌های مربوط به متغیرهای خصوصیات اجتماعی محله و تشکیل شاخص‌های واحد شناخت، بهره‌وری و مشارکت محله‌ای است که دارای مقیاس نسبی می‌باشند.

جدول (۴): ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین حس تعلق محله‌ای و خصوصیات اجتماعی محله‌ای

معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	خصوصیات اجتماعی محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۹۳۴**	شناخت محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۹۲۳**	بهره‌وری محله‌ای
۰/۰۰۰	۰/۹۷۲**	مشارکت محله‌ای
نکته: ** معناداری در سطح ۹۹٪ یعنی $p > ۰/۰۰۱$ تعداد نمونه برابر با ۱۲۰		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که رابطه بین حس تعلق محله‌ای و شاخص‌های سه‌گانه خصوصیات اجتماعی محله‌ای یک رابطه همبستگی بسیار قوی می‌باشد که از حداقل خطای مجاز برخوردار است و این امر نشان‌دهنده پذیرش ۹۹٪ این رابطه‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر بیشترین ضریب همبستگی بین حس تعلق محله‌ای ساکنان به ترتیب مربوط به متغیرهای مشارکت محله‌ای ساکنان، شناخت محله‌ای و بهره‌وری محله‌ای می‌باشد و از آنجایی که این رابطه‌ها بصورت مستقیم، مثبت و معنادار می‌باشند، با افزایش تغییر در یک متغیر، متغیر دیگر به همان مقدار افزایش خواهد یافت. به طور کلی میزان معناداری بدست

آمده برای شاخص‌های سه‌گانه خصوصیات اجتماعی محله نشان‌دهنده حداقل خطای مجاز ($0/001 > 0/000$) می‌باشد که با اطمینان آماری ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که بین حس تعلق محله‌ای در محله ارامنه الف تهران و خصوصیات اجتماعی محله از نظر ساکنان، رابطه معناداری وجود دارد.

در ادامه با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به روش گام‌به‌گام به بررسی اثرات حس تعلق محله‌ای بر جلب مشارکت اجتماعی ساکنان محله ارامنه الف پرداخته شده است (جدول ۴ و ۵). محاسبه مدل‌های رگرسیونی به روش گام‌به‌گام برای سه متغیر مشارکت اجتماعی ساکنان نشان می‌دهد که الگو یا مدل سوم^{۱۴} با مقدار تبیین واریانس ($F=797/86$) در حد مناسبی بوده و قابلیت تبیین و برازندگی اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته حس تعلق را مورد تأیید قرار می‌دهد. عبارت دیگر نتایج اولیه مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بینی کننده حس تعلق محله‌ای مقدار ۰/۹۷ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی ساکنان محله در مدیریت و بهبود وضعیت محله را تبیین می‌کنند که به دلیل بالا بودن مقدار ضریب تعیین، درصد تغییرات بیشتری از مشارکت اجتماعی مربوط به حس تعلق محله‌ای می‌باشد. همچنین آزمون معناداری نشان می‌دهد که مقدار خطای استاندارد از سطح مجاز (سطح بحرانی ۰/۸ در احتمالات بیشینه) کمتر بدست آمده است، بنابراین مدل رگرسیونی حاضر قابلیت اتکاء برای پیش‌بینی‌های آتی مشارکت اجتماعی محله‌ای را نیز خواهند داشت.

جدول (۵): نتایج خلاصه مدل رگرسیونی برای تبیین اثرگذاری متغیرهای مستقل و وابسته

مدل رگرسیونی	ضریب r	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	df	سطح معناداری
مدل سوم	۰/۹۷۷	۰/۹۵۴	۰/۹۵۳	۷۹۷/۸۶	۳ و ۱۱۶	۰/۰۰۰ ^d

d پیش‌گویی کننده‌ها (باقیمانده) = واگذاری وقت بصورت داوطلبانه؛ همکاری با نهادهای محله‌ای؛ کار گروهی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

در ادامه به بررسی نتایج مربوط به اثرات متغیرهای مستقل سه‌گانه مشارکت بر متغیر وابسته حس تعلق محله‌ای ساکنان پرداخته شده است. از آنجایی که ضریب اثرات که با مقدار بتا^{۱۵} (ضریب همبستگی جزئی برای پیش‌بینی اثرات) محاسبه می‌شود برای متغیرهای مورد بررسی دو متغیر مورد بررسی (واگذاری وقت بصورت داوطلبانه و کار گروهی) بیشتر از ۰/۳ می‌باشد، بنابراین نشان‌دهنده اثرپذیری نسبتاً بالای این دو متغیر از حس تعلق محله‌ای بیشتر از متغیر "همکاری با نهادهای محله‌ای" می‌باشد. نتایج اوزان بتا نشان می‌دهد که مشارکت در بعد "واگذاری وقت بصورت داوطلبانه" با مقدار بتای ۰/۴۳۹ بیشترین تأثیر در مدل رگرسیونی مورد بررسی را دارا می‌باشد و نتیجه می‌گیریم که به ازای هر واحد تغییر در متغیر مستقل حس تعلق محله‌ای، متغیر وابسته «صرف وقت بیشتری برای بهبود وضعیت محله توسط ساکنان» نیز به همان میزان تغییر خواهد کرد ($t=7/47$; $B=0/261$). همچنین نتایج محاسبه مقدار بتا برای دیگر متغیرهای مشارکت محله‌ای نشان می‌دهد که "کار گروهی" با مقدار بتای ۰/۳۸۸ ($t=15/25$; $B=0/335$)؛ و همکاری ساکنان با نهادهای محلی مانند سرای محله و کانون‌های محله نیز با بتای ۰/۲۷۹ ($t=4/42$; $B=0/156$) به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیرپذیری را، در مدل رگرسیونی پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر به ازای هر واحد تغییر در متغیر مستقل حس تعلق محله‌ای، متغیرهای وابسته مشارکت محله‌ای ساکنان محله ارامنه الف نیز به مقادیری که در بالا ذکر شد تغییر خواهد کرد (جدول ۶).

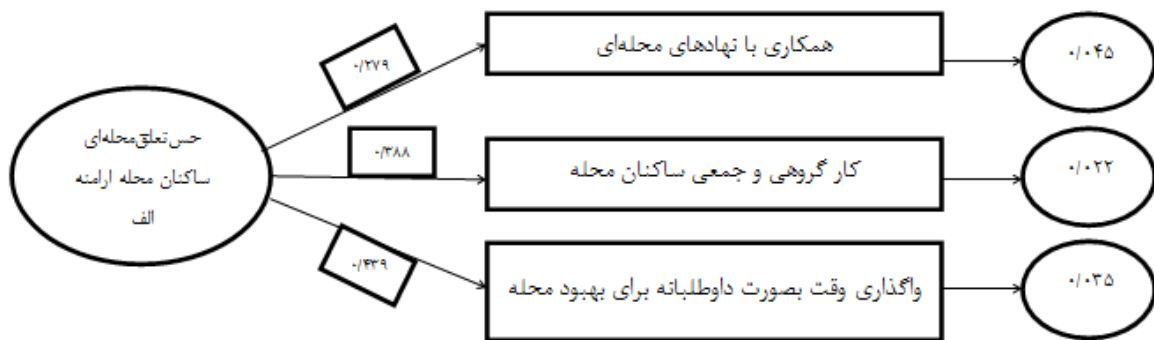
جدول (۶): نتایج رگرسیون گام‌به‌گام برای بررسی اثرات حس تعلق محله‌ای بر مشارکت اجتماعی ساکنان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار B	ضریب اثرات (بتا)	مقدار T	خطای استاندارد	معناداری
همکاری با نهادهای محلی	حس تعلق محله‌ای	۰/۱۵۶	۰/۲۷۹	۴/۴۲	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰**
کار گروهی	حس تعلق محله‌ای	۰/۳۳۵	۰/۳۸۸	۱۵/۲۵	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰**
واگذاری وقت بصورت داوطلبانه	حس تعلق محله‌ای	۰/۲۶۱	۰/۴۳۹	۷/۴۷	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰**

توجه: ** معنی داری در سطح ۹۹٪ درصد و سطح خطای $P < 0/001$

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

به طور کلی نتایج بدست آمده از تحلیل مدل رگرسیونی پژوهش برای تبیین حس تعلق محله‌ای بر مشارکت اجتماعی ساکنان محله ارامنه الف نشان می‌دهد که متغیر مستقل حس تعلق اثرات متفاوتی بر ابعاد مشارکت ساکنان دارا می‌باشد و در بررسی رابطه رگرسیونی بین شاخص حس تعلق محله‌ای و مشارکت اجتماعی ساکنان محله مذکور با استفاده از رگرسیون خطی ساده نشان‌دهنده تأثیرگذاری بسیار بالای حس تعلق محله‌ای بر مشارکت اجتماعی شهروندان می‌باشد که میزان بتا در این بررسی برابر با ۰/۹۷۲ بود^{۱۶}. از آنجایی که جهت این ضریب مثبت محاسبه شده و شدت آن بسیار بالا می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که به ازای هر واحد تغییر در متغیر مستقل حس تعلق محله‌ای، متغیر وابسته مشارکت اجتماعی ساکنان به مقدار ۰/۹۷ واحد تغییر خواهد کرد. از آنجایی که مقدار معناداری بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ است و از مقدار حداقل خطای مجاز نیز کمتر می‌باشد ($P \leq ۰/۰۰۱$) بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می‌توان پذیرفت و که حس تعلق محله‌ای ساکنان محله ارامنه الف بر مشارکت اجتماعی آن‌ها تأثیر بسیار زیادی دارد. در ادامه مسیرهای اثرات حس تعلق محله‌ای بر متغیرهای وابسته مشارکت اجتماعی ساکنان نمایش داده شده است (شکل ۱).



شکل (۱): نمودار تحلیل اثرات حس تعلق محله‌ای بر متغیرهای مشارکت اجتماعی ساکنان محله ارامنه الف.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه سرمایه‌های اجتماعی، حس تعلق مکانی و مشارکت از جمله راه‌حل‌های موثر در کاهش هزینه‌های اجتماعی و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی شهری هستند. بر این مبنا توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق - اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. در این ارتباط؛ برای اینکه افراد در سطح محله مشارکت کنند و میزان مشارکت آن‌ها افزایش یابد، نیازمند این است که حس تعلق به محله افزایش یابد. چرا که احساس تعلق و عضویت فرد در محله و احساس تأثیرگذاری و نفوذ بر محیط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، میزان مشارکت را افزایش خواهد داد. در این پژوهش نیز نقش حس تعلق محله‌ای در میزان مشارکت ساکنین محله ارامنه الف از منطقه هفت تهران، مورد بررسی واقع شد. برای این کار رابطه بین خصوصیات دموگرافیک ساکنین و خصوصیات اجتماعی محله با مولفه‌های حس تعلق محله‌ای، و تأثیر حس تعلق محله‌ای بر جلب مشارکت حداکثری ساکنین، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های همبستگی اسپیرمن، پیرسون و رگرسیون خطی به روش گام‌به‌گام، مورد تحلیل و سنجش قرار گرفت. نتیجه تحلیل سؤال اول پژوهش نشان داد که بین حس تعلق محله‌ای در محله ارامنه - الف تهران و خصوصیات جمعیت‌شناختی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؛ اما این رابطه برای گروه‌های سنی و سابقه سکونت در محله، از رابطه همبستگی قوی‌تری برخوردار می‌باشد. تحلیل سؤال دوم نیز نشان‌دهنده محاسبه حداقل خطای مجاز برای ضریب همبستگی هر سه متغیر خصوصیات اجتماعی یعنی شناخت، بهره‌وری و مشارکت اجتماعی محله‌ای می‌باشد که بین آن‌ها و حس - تعلق محله‌ای رابطه همبستگی معناداری وجود دارد و در این میان قوی‌ترین رابطه مربوط به مشارکت اجتماعی محله‌ای از نظر ساکنان محله مذکور می‌باشد. در نهایت تحلیل سؤال سوم نشان می‌دهد که اولاً حس تعلق محله‌ای بر شاخص کل مشارکت اجتماعی ساکنان محله ارامنه الف تأثیر بسیار زیادی دارد و از آنجایی که جهت این رابطه مثبت بوده و شدت بسیار بالایی نیز دارد (بتای ۰/۹۷ و ضریب تعیین ۰/۹۴) نشان‌دهنده تبیین‌کنندگی بالای حس تعلق محله‌ای در پیش‌بینی مشارکت اجتماعی ساکنان می‌-

باشد. در ادامه تحلیل اثرات متغیر مستقل حس تعلق، نشان‌دهنده بیشترین تأثیرگذاری به ترتیب بر متغیرهای واگذاری وقت بصورت داوطلبانه، کار گروهی و همکاری با نهادهای محلی می‌باشد.

نتایج نهایی تحقیق نیز نشان می‌دهد که ساکنین قدیمی (افراد مسن) که دارای منازل شخصی هستند بیشترین احساس تعلق را نسبت به محله خود دارند و همین حس تعلق رابطه‌ای قوی و موثر بر میزان مشارکت آن‌ها در سطح محله دارد. این یافته با یافته‌های نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)، مفرح (۱۳۸۹)، رهنما و رضوی (۱۳۹۱)، نادری و همکاران (۱۳۹۳)، مبنی بر ارتباط موثر حس تعلق محله‌ای و مشارکت اجتماعی، یکسان است.

پی‌نوشت‌ها

1 Everett	2 Attachment
3 Besten	4 Lynch
5 Brocato	6 Hung
7 UNDP	8 Gotri
9 Slize	10 Wilkinson
11 Pilot study	12 ks
13 Compute	

۱۴- به دلیل عدم ضرورت از ارائه نتایج دیگر مدل‌های رگرسیونی خودداری شده است.

15 Beta

۱۶- در این محاسبه مقدار همبستگی برابر ۰٫۹۷؛ ضریب تعیین برابر ۰٫۹۴۵؛ ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰٫۹۴۴؛ مقدار F برابر ۲۱۳٫۹۰ و درجه آزادی ۱ و ۱۱۸ بود.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)، رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق در توسعه روستایی، تهران، نشر نی.
- الماسی، رزینا (۱۳۹۲)، حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: تهران، محله بهار)، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران؛ اداره مطالعات، تابستان.
- امیرکافی، مهدی، فتحی، شکوفه (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار، صص ۴۱-۵.
- انصاری، محمداسماعیل (۱۳۷۵)، بازشناسی و پیش‌نیازهای مدیریت مشارکتی و نظام اداری، فصلنامه علمی کاربردی مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۳۳ و ۳۴.
- پناهی، حسین (۱۳۸۳)، اثر ویژگی‌های فردی و مشارکت اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
- پیربابائی، محمدتقی، سجاذزاده، حسن (۱۳۹۰)، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، بهار.
- جمشیدیها، غلامرضا، پروایی هره‌دشت، شیوا، پیری، صدیقه، ادیب حاج باقری، ثریا (۱۳۹۳)، بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل قلعه تهران)، مطالعات جامعه‌شناختی شهر، سال ۴، شماره ۱۲، پاییز، صص ۲۴-۱.
- خاکپور، براتعلی و همکاران (۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره دوازدهم، صص ۵۵-۸۱.
- داداپور، سارا (۱۳۹۱)، راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی در مقیاس خرد در انطباق با اهداف طراحی شهری، ماهنامه طاق، شماره ۶۳، صص ۳۲-۳۵.
- دارابی، حسن (۱۳۸۷)، مدخل مشارکت در دانشنامه مدیریت شهری- روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- رهنما، محمدرحیم، رضوی، محمدحسین (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان، صص ۳۶-۲۹.
- شماعی، علی، جهانی، رحمان (۱۳۹۰)، بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای، (مطالعه موردی: منطقه ۷ تهران)، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، شماره ۶، زمستان، صص ۷۳-۸۲.

۱۳. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت به چه معناست، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره ۱۳، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت.
۱۴. غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک.
۱۵. فرجی ملانی، امین؛ زمانی، زهرا؛ جان‌بابانژاد، محمدحسین؛ و صادق حاجی‌نژاد (۱۳۹۲)، نقش مشارکت مردمی در نوسازی بافت‌های فرسوده با تأکید بر تجارب جهانی؛ مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، انجمن محیط‌زیست کومش. همایش ایران. بهار ۹۲.
۱۶. فلاحت، م. ص (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷.
۱۷. قاسمی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم؛ هویت بخشی به بافتهای مسکونی، تهران: انتشارات روزنه.
۱۸. قلی‌پور، آراین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت).
۱۹. لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳)، بحران محیط‌زیست و توسعه همه‌جانبه و پایدار، در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، آگه، تهران.
۲۰. مبارکی، محمد، صلاحی، سمیه (۱۳۹۲)، کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۳۱۵-۲۷۵.
۲۱. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی.
۲۲. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱، تهران، صص ۱۰۹-۸۹.
۲۳. مفرح، فاطمه (۱۳۸۹)، شناسایی نقش مشارکت اجتماعی در ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله، اولین همایش ملی شهروندان و تعلق اجتماعی، تهران.
۲۴. نادری، احمد، شیرعلی، ابراهیم، قاسمی کفرودی، سجاد (۱۳۹۳)، بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره سوم، تابستان، صص ۲۰-۷.
۲۵. ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۳)، توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی، رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان، شماره ۲۵، دوره ۷ (۲)، صص ۳۲-۲۸.
۲۶. نوروزی، فیض‌اله، بختیاری، مهناز (۱۳۸۸)، مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن، راهبرد، شماره ۵۳، سال ۱۸، زمستان، صص ۲۶۹-۲۴۹.
۲۷. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم.
۲۸. وطنی، علی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر بر افزایش انگیزه افراد در مشارکت اجتماعی در استان گلستان، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
29. Besten, Olga den (2010), Local belonging and 'geographies of emotions': Immigrant children's experience of their neighbourhoods in Paris and Berlin, <http://chd. Sagepub. Com/content/17/2/181>.
30. Brocato, Elisabeth Deanne (2006) Place Attachment: An investigation of Environments and Out Comes In A Service Context, Dissertation Proposal Presented to the Faculty of the Graduate School of The University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the eDegree of Doctor Of Philosophy.
31. Everett, B. (2009), belonging: Social exclusion, social inclusion, personal safety and the experience of mental illness, Copyright Mood Disorders Society of Canada.
32. Hung Ng, S. et al (2005), People living in ageing buildings: Their quality of life and sense of belonging, Journal of Environmental Psychology. No. 25 (2005) 347-360.
33. Wilkinson, Deanna L. (2007). Local Social Ties and Willingness to Intervene Textured Views Among Violent Urban Youth of Neighborhood Social Control Dynamics and Situations - Justice Quarterly - Volume 24.